



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

شماره مجوزمجله: ۸۰۴۰۰

زمان پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۱۰/۲۷

تسهیل توسعه اقتصادی شهرها با تقویت نقش زنان در اقتصاد مقاومتی

فرحناز خادم فسقندیس^۱

چکیده

اقتصاد شهرها ارتباط مستقیمی با اقتصاد ملی دارد و هرگونه تلاش برای بهبود وضعیت بهبود اقتصادی شهرها در شرایط کنونی از مسیر دست یابی به ارکان و راهبردهای اقتصاد مقاومتی میسر خواهد شد. اقتصاد مقاومتی بر آن است تا با کاهش وابستگی ها و تأکید برمزیت های تولید داخلی و ترویج فرهنگ کار، در راستای اصلاح الگوی مصرف، با تقویت روح خود باوری و خودکفایی در شهروندان در مسیر توسعه گام بردارد. براین اساس خانواده و به خصوص زنان، با نقش مدیر اقتصادی و به عنوان مهم ترین نهاد اجتماعی جامعه در تربیت و پرورش انسانها، نقش به سزایی در رشد نیروی کار داشته و عهده دار اصلی بهره وری نیروی کار در جریان تولید و اصلاح الگوی مصرف و حمایت از منابع داخلی می باشند، هدف پژوهش حاضر به چالش کشیدن معضلات اقتصادی شهرها جهت برون رفت از مشکلات و آسیب های زندگی شهری در جوامعی که با مسایل و مشکلات جهانی سعی در خود اتکایی داشته و این مهم با همکاری تمام آحاد جامعه به خصوص زنان و قرار گیری در چهارچوب اصول و مبانی اقتصاد مقاومتی در راستای نقش آفرینی زنان در زمینه های کاری و اقتصادی امکان پذیر خواهد بود. در این مقاله با تدقیق موارد مطروحه و استفاده از روش تحقیق مطالعه اسنادی و توصیفی - تحلیلی، این نتیجه حاصل گردید که زنان در شرایط کنونی نقش برجسته ای در راستای توسعه اقتصادی شهرها بر مبنای اصول و راهبردهای اقتصاد مقاومتی دارند که بر این اساس راهکارهایی جهت توانمند سازی، ارتقای بهره وری و ... هر چه بیشتر زنان ارائه شده است.

واژگان کلیدی: توسعه اقتصاد شهری، نقش زنان، اقتصاد مقاومتی، نقش آفرینی زنان

^۱ دانشجوی دکترای طراحی شهری، دانشگاه آزاد تبریز



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

۱-مقدمه

اقتصاد مقاومتی ایجاد یک حرکت اجتماعی و چند وجهی برای ایجاد تغییرات اساسی در وضعیت اقتصادی کشور است. هر تصمیم و فعالیت اقتصادی و سیاسی، تنها با مشارکت جمعی و حضور حداکثری جامعه به نتیجه می رسد و بدون مشارکت بدنه جامعه تغییر سیاست های اقتصادی امری طاقت فرسا و همراه با هزینه های گزاف خواهد بود. بی شک در این میان زنان نیز به عنوان بخش عظیمی از جمعیت کشور دارای نقشهایی مختلف و متنوع برای تحقق این هدف می باشند. توسعه زیرساخت های اقتصادی، اصلاح الگوی مصرف، تغییر سبک زندگی، حمایت از تولید داخلی، توجه به کیفیت تولید و سایر عرصه های اقتصادی و سیاسی کشور بدون مشارکت هوشمندانه و طبیعی زنان محقق نخواهد شد.

اقتصاد هایی در مواجهه با تکانه های خارجی و داخلی کمتر آسیب می بینند که به جای تکیه بر سرمایه های فیزیکی بر سرمایه های انسانی بنا شده باشند و نظام های مختلف اجتماعی اقتصادی آن به قدری انعطاف پذیر باشد که در برخورد با مشکلات سهمگین بتواند راههای مختلف و متنوعی را در پیش بگیرد. روح اقتصاد مقاومتی، میدان دادن به ذهن های پرورش یافته و انسان های رشد یافته ای است که با ایجاد تغییرات و انعطاف پذیری در روش ها، فرصت های جدیدی را برای خلق ثروت فراهم کنند. با برجسته شدن نقش زنان به عنوان یکی از عوامل تولید و در نظر گرفتن عادلانه سهم زنان در این مبحث می توان یکی از نقاط اصلی اثر گذاری زنان در اقتصاد مقاومتی را احصا نمود و از تقلیل نقش زنان به نقشه ای فرهنگی و حداکثر خانوادگی اجتناب کرد. اگر از این منظر به قضیه نگاه کنیم می توانیم به زمینه های متعدد و متنوعی برای عملیاتی کردن این بحث دست بیابیم.

با توجه به طرح عمومی اصطلاح اقتصاد مقاومتی توسط مقاوم معظم رهبری، متأسفانه کارشناسان اقتصادی کمتر توانسته اند با استفاده از اصول علمی، در تدقیق ابعاد و تفصیل راهبردهای تشکیل دهنده مفهوم اقتصاد مقاومتی اظهار نظرهای کارآمدی داشته باشند. بنابراین، با استعانت از توصیف های تکمیلی ارائه شده توسط مقام معظم رهبری در این زمینه، می توان چنین برداشت نمود که ایشان نوعی از تدبیر امور و تخصیص منابع کمیاب اقتصادی را در نظر دارند که در میان مدت و بلند مدت بتواند اقتصاد کشور را در مسیر دست یابی به اهداف سیاسی و فناورانه، در مقابل هجمه های ناجوان مردانه دشمنان پایدار و پرابرجا نگهدارد و در این راستا توجه به نقش زنان در جامعه خالی از لطف نیست. در این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی در پی آن هستیم با تقویت نقش زنان را در بهبود اقتصاد مقاومتی و تسهیل رسیدن به توسعه اقتصادی شهر گام موثری را برداریم و راهکارها و راهبردهایی را در جهت سهولت رسیدن به اقتصادی با ابعاد مقاومتی و حضور بیشتر زنان در جامعه ی ایرانی را شاهد باشیم.

۲-چارچوب نظری



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

۱-۲- توسعه اقتصادی یا رشد اقتصادی

بنیاد اقتصادی مفهومی است که در رشد اقتصادی شهر، به صادرات نقش مهمی می‌دهد. از آنجایی که وسعت بازار برای کالاها و خدماتی که در محدوده شهر تولید شده و به خارج از آن عرضه می‌شود، به مراتب از وسعت بازار برای کالاهایی که در محدوده شهر به فروش می‌رسد بیشتر است، امکان توسعه و گسترش تولید کالاهای گروه اول به مراتب بیشتر از گروه دوم است. بنابراین رشد اقتصادی شهرها، به توسعه فعالیت‌های اقتصادی که کالاهای آنها به خارج از شهر صادر می‌شود بستگی دارد (درکوش، ۱۳۹۴: ۱۲۶). در توسعه اقتصادی موفقیت یک اقتصاد محصول سرمایه‌گذاری در آن است تا به یک نتیجه اثر بخش رسید (Todaro, 2010). باید بین دو مفهوم رشد اقتصادی و توسعه اقتصادی تمایز قایل شد. رشد اقتصادی، مفهومی کمی است در حالیکه توسعه اقتصادی، مفهومی کیفی است. "رشد اقتصادی" به تعبیر ساده عبارتست از افزایش تولید (کشور) در یک سال خاص در مقایسه با مقدار آن در سال پایه. در سطح کلان، افزایش تولید ناخالص ملی (GNP) یا تولید ناخالص داخلی (GDP) در سال موردنیاز به نسبت مقدار آن در یک سال پایه، رشد اقتصادی محسوب می‌شود که باید برای دستیابی به عدد رشد واقعی، تغییر قیمت‌ها (بخاطر تورم) و استهلاك تجهیزات و کالاهای سرمایه‌ای را نیز از آن کسر نمود. منابع مختلف رشد اقتصادی عبارتند از افزایش بکارگیری نهاده‌ها (افزایش سرمایه یا نیروی کار)، افزایش کارایی اقتصاد (افزایش بهره‌وری عوامل تولید)، و بکارگیری ظرفیت‌های احتمالی خالی در اقتصاد "توسعه اقتصادی" عبارتست از رشد همراه با افزایش ظرفیت‌های تولیدی اعم از ظرفیت‌های فیزیکی، انسانی و اجتماعی. در توسعه اقتصادی، رشد کمی تولید حاصل خواهد شد اما در کنار آن، نهادهای اجتماعی نیز متحول خواهند شد، نگرش‌ها تغییر خواهد کرد، توان بهره‌برداری از منابع موجود به صورت مستمر و پویا افزایش یافته، و هر روز نوآوری جدیدی انجام خواهد شد. بعلاوه می‌توان گفت ترکیب تولید و سهم نسبی نهاده‌ها نیز در فرآیند تولید تغییر می‌کند. توسعه امری فراگیر در جامعه است و نمی‌تواند تنها در یک بخش از آن اتفاق بیفتد. توسعه، حد و مرز و سقف مشخصی ندارد بلکه بدلیل وابستگی آن به انسان، پدیده‌ای کیفی است (برخلاف رشد اقتصادی که کاملاً کمی است) که هیچ محدودیتی ندارد به عبارت دیگر توسعه اقتصادی دو هدف اصلی را دنبال می‌کند که عبارتند از: افزایش ثروت و رفاه مردم جامعه و ریشه‌کنی فقر، ایجاد اشتغال که هر دوی این اهداف در راستای عدالت اجتماعی است. که نگاه به توسعه اقتصادی در کشورهای پیشرفته و کشورهای توسعه نیافته متفاوت است چنانچه در کشورهای توسعه یافته هدف اصلی افزایش رفاه و امکانات مردم است در حالیکه در کشورهای عقب مانده، بیشتر ریشه‌کنی فقر و افزایش عدالت اجتماعی است.

۱-۲-۱- شاخص‌های توسعه اقتصادی

از جمله شاخص‌های توسعه اقتصادی یا سطح توسعه‌یافتگی می‌توان این موارد را برشمرد

الف. شاخص درآمد سرانه:

از تقسیم درآمد ملی یک کشور (تولید ناخالص داخلی) به جمعیت آن، درآمد سرانه بدست می‌آید. این شاخص ساده و قابل‌ارزیابی در کشورهای مختلف، معمولاً با سطح درآمد سرانه کشورهای پیشرفته مقایسه می‌شود. زمانی درآمد سرانه ۵۰۰۰



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

دلار در سال نشانگر توسعه یافتگی بوده است و زمانی دیگر حداقل درآمد سرانه ۱۰۰۰۰ دلار .
ب. شاخص برابری قدرت خرید (PPP) :

از آنجاکه شاخص درآمد سرانه از قیمت‌های محلی کشورها محاسبه می‌گردد و معمولاً سطح قیمت محصولات و خدمات در کشورهای مختلف جهان یکسان نیست، از شاخص برابری قدرت خرید استفاده می‌گردد. در این روش، مقدار تولید کالاهای مختلف در هر کشور، در قیمت‌های جهانی آن کالاها ضرب شده و پس از انجام تعدیلات لازم، تولید ناخالص ملی و درآمد سرانه آنان محاسبه می‌گردد .

ج. شاخص درآمد پایدار (GNA , SSI) :

کوشش برای غلبه بر نارسایی‌های شاخص درآمد سرانه و توجه به "توسعه پایدار" به جای "توسعه اقتصادی"، منجر به محاسبه شاخص درآمد پایدار گردید. در این روش، هزینه‌های زیست‌محیطی که در جریان تولید و رشد اقتصادی ایجاد می‌گردد نیز در حساب‌های ملی منظور گردیده (چه به عنوان خسارت و چه به عنوان بهبود منابع و محیط زیست) و سپس میزان رشد و توسعه بدست می‌آید .
د. شاخص‌های ترکیبی توسعه:

از اوایل دهه ۱۹۸۰، برخی از اقتصاددانان به جای تکیه بر یک شاخص انفرادی برای اندازه‌گیری و مقایسه توسعه اقتصادی بین کشورها، استفاده از شاخص‌های ترکیبی را پیشنهاد نمودند. به عنوان مثال می‌توان به شاخص ترکیبی موزنی که مک‌گراناهان (۱۹۷۳) بر مبنای ۱۸ شاخص اصلی (۷۳ زیرشاخص) محاسبه می‌نمود، اشاره کرد بعد، (شاخص توسعه انسانی) معرفی گردید.
و. شاخص توسعه انسانی (HDI) :

این شاخص در سال ۱۹۹۱ توسط سازمان ملل متحد معرفی گردید که براساس این شاخص‌ها محاسبه می‌گردد: درآمد سرانه واقعی (براساس روش شاخص برابری خرید)، امید به زندگی (دربدو تولد)، و دسترسی به آموزش (که تابعی از نرخ باسوادی بزرگسالان و میانگین سال‌های به مدرسه رفتن افراد است (شریف زادگان ، ۱۳۹۰).

۲-۲- اقتصاد مقاومتی

اقتصاد مقاومتی انگاره ای است که مقام معظم رهبری پس از تحریم‌های یکجانبه سال ۲۰۱۲ میلادی که اردوگاه غرب علیه ایران وضع کرد ، مطرح نمودند . پیام اصلی این انگاره این است که وابستگی اقتصادی کشور به نفت کاهش یابد تا اینکه غرب نتواند از این ضعف استفاده کند و به منافع جمهوری اسلامی ایران ضربه بزند . در واقع ، اقتصاد مقاومتی یک نظام اقتصادی است که هماهنگ با سیاست‌های کلان سیاسی و امنیتی نظام اسلامی و برای مقاومت در برابر اقدامات تخریبی شکل می‌گیرد تا بتواند در برابر ضربات اقتصادی تحریم‌ها و توطئه‌های گوناگون اقتصادی نظام استکبار مقاومت کرده و توسعه و پیشرفت خود را ادامه دهد و روند را رو به رشد همه جانبه خود را در ابعاد ملی ، منطقه ای و جهانی حفظ کند . اقتصاد مقاومتی رابطه نزدیکی با انسجام ملی دارد . منظور از اقتصاد مقاومتی واقعی یک اقتصاد مقاومتی فعال و پویاست نه یک



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

اقتصاد منفعل و بسته به طوری که کشور ضمن مقاومت در مقابل موانع و ناملایمات مسیر خود، روند پیشرفت پایدار خود را حفظ کند. این اقتصاد همانطور که یک اقتصاد خود کفا و خود اتکاست اما این خود کفایی به معنی منزوی بودن نیست. توجه به تولیدات داخلی، استفاده از نیروی کار و سرمایه ی داخلی، اتکا بر اقتصاد «دانایی محور»، توجه خاص به تولید کالاهای اساسی و محصولات زیر بنایی، مهم ترین مؤلفه های اقتصادی مقاومتی اند. در اقتصاد مقاومتی، جهت گیری سیاست های تجاری به کشورهای همسایه معطوف است؛ به فعالیت های اقتصادی هم چون جهاد می نگرییم؛ اصلاح الگوی مصرف و حرکت به سوی مصرف بهینه مد نظر است و توجه زیادی به تحقیقات کاربردی می شود.

در واقع اقتصاد مقاومتی در مقابل اقتصاد منزوی قرار دارد، اقتصاد مقاومتی از ویژگی های استقلال و خود کفایی بهره مند است و تلاش می کند آسیب پذیری خود را به حداقل برساند و هم چنین این اقتصاد، اقتصادی است که در تعادل با سایر اقتصاد ها قرار دارد، بدین معنی که این اقتصاد یک اقتصاد منزوی و بسته نیست. در چارچوب مفهومی اقتصاد مقاومتی چهار تقریر قابل طرح است:

اقتصاد موازی: تعریف اول از اقتصاد مقاومتی به مثابه «اقتصاد موازی» است؛ یعنی همان طور که انقلاب اسلامی با توجه به نیاز خود به نهادهایی با روحیه و عملکرد انقلابی، اقدام به تأسیس نهادهایی مانند کمیته امداد، جهاد سازندگی، سپاه پاسداران و بنیاد مسکن نمود، امروز نیز بایستی برای تأمین اهداف انقلاب، این پروژه را ادامه داده و تکمیل کند؛ چرا که انقلاب اسلامی به اقتصاد مقاومتی و به نهادسازی های مقاومتی در اقتصاد نیاز دارد که چه بسا ماهیتاً از نهادهای رسمی اقتصادی بر نمی آید. پس باید نهادهایی موازی برای این کار ویژه ایجاد کند.

اقتصاد ترمیمی: تعریف دوم از اقتصاد مقاومتی عبارت از اقتصادی که در پی «مقاوم سازی»، «آسیب زدایی»، «خلل گیری» و «ترمیم» ساختارها و نهاد های فرسوده و ناکارآمد موجود اقتصادی است.

یعنی اگر در رویکرد قبلی گفته می شد که فلان نهاد نمی تواند انتظارات ما را برآورده کند، رویکرد جدید به دنبال آن است که با بازتعریف سیاست های نهادی موجود، کاری کند که انتظارات نظام را برآورند.

اقتصاد دفاعی: تعریف سوم از اقتصاد مقاومتی، متوجه هجمه شناسی، آفند شناسی و پدافند شناسی نظام در برابر آن هجمه است. یعنی باید ابتدا بررسی شود که مخالفان ما حمله به اقتصاد ایران و اخلال در آن را چگونه و با چه ابزارهایی صورت می دهند. بنابراین وقتی به اقتصاد مقاومتی دست یافته ایم که ابزارها و شیوه های هجمه دشمن را پیشاپیش شناخته باشیم و براساس آنها استراتژی مقاومت خود را ابزارها و شیوه های هجمه دشمن را پیشاپیش شناخته باشیم و براساس آنها استراتژی مقاومت خود را علیه آنان تدوین و اجرا کنیم. بدیهی است تا آفند دشمن شناخته نشود، مقاومت متناسب با آن نیز طراحی و اجرا نخواهد شد. اقتصاد الگو: چهارمین تعریف نیز این است که اساساً اقتصاد مقاومتی یکی رویکرد کوتاه مدت سلبی و اقدامی صرفاً پدافندی نیست؛ بر خلاف سه تعریف قبلی که اقتصاد مقاومتی را یا پدافندی یا کوتاه مدت می دانستند، این رویکرد چشم اندازی کلان به اقتصاد جمهوری اسلامی ایران دارد و یک اقدام بلند مدت را شامل می شود.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

۱-۲-۲ وجه اقتصادی حضور زنان

از وجوه مغفول مانده در عرصه اقتصاد مقاومتی، افزایش سهم زنان در شاخص های کلان اقتصادی است. هرگونه تلاش در جهت ارتقا و بهبود این شاخص ها با تاکید بر سیاستهای مبتنی بر اشتغال مولد و دانش بنیان می تواند صورت دیگری از حضور زنان در عرصه اقتصاد مقاومتی باشد. مهمترین بخش های اقتصادی که می تواند در این عرصه مورد توجه قرار گیرد از قرار زیر است:

- ❖ اقتصاد دانش بنیان (با تاکید بر جهش حضور زنان در عرصه آموزش عالی)
- ❖ فعالیت در مشاغل خانگی فعالیت در صنایع خاص نظیر صنعت فرش و صنایع دستی
- ❖ ارتقاء سهم زنان در بخش خدمات
- ❖ در تبیین نقش و جایگاه زنان در اقتصاد مقاومتی ضمن تاکید بر وجه فرهنگی، باید از تقلیل نقش زنان به این وجه و نادیده گرفتن وجه اقتصادی و غیر فرهنگی آن پرهیز کرد. (بیگ محمدی، ۳۸۹: ۲۶)

آنچه که در موضوع اقتصاد مقاومتی می بایست مطرح نظر قرار گیرد تبدیل این مفهوم به گفتمان غالب در سطوح مختلف می باشد. مادامی که مفهوم اقتصاد مقاومتی گفتمان سازی نشده و اهمیت آن در لایه های مختلف اجتماعی مورد پذیرش واقع نگردد نمی توان انتظار داشت که با نگاه عمودی و از بالا به پایین این رویکرد در جامعه تسری پیدا کند.

۳- دیدگاه مقام معظم رهبری در مورد اقتصاد مقاومتی

مقام معظم رهبری در دیدارها و سخنرانی های خود، در مورد اقتصاد مقاومتی تعریف هایی را ارائه داده اند، در اینجا تلاش شده تا برخی از این دیدگاه ها اشاره شود. به عنوان نمونه: «بخش خصوصی را باید کمک کنند. اینکه ما اقتصاد مقاومتی را مطرح کردیم، خوب، خود اقتصاد مقاومتی شرایطی دارد، ارکانی دارد؛ همین سیاست های اصل ۴۴ با تأکید و اهتمام و دقت و وسواس هر چه بیشتر باید دنبال شود؛ این جزء کارهای اساسی شماست. در بعضی از موارد، من از خود مسئولین کشور می شنوم که بخش خصوصی به خاطر کم توانی اش جلو نمی آید. خوب، باید فکری بکنید برای اینکه به بخش خصوصی توابعی بشود؛ حالا از طریق بانکهاست، از طریق قوانین لازم و مقررات لازم است؛ از هر طریقی که لازم است، کاری کنید که بخش خصوصی، بخش مردمی، فعال شود. بالاخره اقتصاد مقاومتی معنایش این است که ما یک اقتصادی داشته باشیم که هم روند رو به رشد اقتصادی در کشور محفوظ بماند، هم ترفند های دشمنان که همیشگی و به شکل های مختلف خواهد بود، کمتر آسیب بینند و اختلال پیدا کند.

یکی از شرایطش، استفاده از همه ظرفیت های دولتی و مردمی است؛ هم از فکر و اندیشه ها و راهکارهایی که صاحب نظران می دهند، استفاده کنید، هم از سرمایه ها استفاده شود (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار رئیس جمهوری و اعضای هیئت دولت، نقل قول از آجیلی، ۱۳۹۲).

۴- هدف اقتصاد مقاومتی چیست؟



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

هدف در اقتصاد مقاومتی استفاده از توان داخلی و مقاومت در مقابل تحریم ها با ایجاد کم ترین بحران است. به تعبیر حضرت آیت الله خامنه ای مد ظله اقتصاد مقاومتی برای کشور، در هر شرایطی اعم از تحریم یا غیر تحریم ضروری است و این به معنای آن است که بنیان اقتصادی کشور باید به گونه ای سامان دهی شود که تکانه های جهانی در آن اثر گذار نباشد. (خامنه ای، ۱۳۹۳). براین اساس، مقاومت برای رد کردن فشارها و عبور از سختی ها برای رسیدن به نقاط مثبت ملی، شرط لازم تحقق اقتصاد مقاومتی است. با این توصیف ها نظر به مفاد عنوانی که برای این نوشتار انتخاب شده، بحث ما در ارتباط با موضوعی است که با سوژه ی اصلی مرتبط می باشد و ان عبارت از عوامل بازدارنده و یا خنثی کننده ی آن است.

۵- نقش و جایگاه زنان در تحقق اقتصاد مقاومتی

با توجه به اینکه از همان ابتدای انقلاب اسلامی زنان نقش مؤثری در جامعه ایران داشته اند و به عنوان نیمی از جمعیت کشور و به روایت آمار این نیمه جمعیتی چیزی در حدود ۴۹ درصد از کل جمعیت را متشکل می شوند که به شکل مستقیم و غیر مستقیم در فعالیت های اقتصادی و اجتماعی ایفای نقش می کنند علاوه بر این موضوع با یک نگاه جامع می توان به این مهم پی برد که بسیاری از ارتباطات، تعاملات و فعالیت های اجتماعی متأثر از این قشر هستند تا آنجا که برخی از اندیشمندان اجتماعی زنان را یک منشاء مهم در تحولات اجتماعی و فرهنگی می دانند، نگاهی اجمالی به جایگاه زنان در ترکیب جمعیت ایران همان

۴۹ درصد جمعیت کل کشور را شامل می شود و سهم فعالیت زنان با ۱۱/۹ درصد بیانگر اهمیت نقش آنان در اقتصاد مقاومتی است و در نتیجه نمی توان نقش زنان در تولید ملی و توسعه اقتصادی را در حد شعار یا توصیه محدود کنیم بنابراین ظرفیت زنان را در این عرصه نمی توانیم نادیده بگیریم. به عبارت دیگر با دید فرهنگی می توان از این ظرفیت در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی گام مؤثری برداشت که در ذیل به آن اشاره می شود:

قبل از بررسی چگونگی استفاده از این ظرفیت می بایست به یک نکته آسیب شناسانه توجه کرد به نظر می رسد طی سال های قبل یا به عبارت دیگر با دور شدن از دوران پیروزی انقلاب، به تدریج نشان هایی از گرایش به فرهنگ غلط و منحط مصرف گرایی در جامعه ایرانی رشد کرده؛ به طوری که با یک نیم نگاه به دور و اطراف خود متوجه اسراف و تبذیر در میان مسئولان و مردم می شویم. یکی از مواردی که در سیاست های ابلاغی رهبری در بخش اقتصاد مقاومتی، به صورت مکرر ملاحظه می شود، اصلاح الگوی مصرف است که بر همین مبنا باید گفت از جمله مهم ترین عوامل مؤثر بر اصلاح الگوی مصرف، اصل فرهنگ سازی در خانواده و جامعه است. طبیعی است که مدیریت صحیح زنان در تربیت فرزندان و شکل دهی به امور جاری خانواده ها در این راستا نقش بسیار بارزی دارد و می تواند علاوه بر حل معضل گفته شده نشان دهنده یکی از اولین کارکردهای زنان در تحقق این مهم باشد و نکته ای که در فرهنگ سازی می بایست مدنظر این ظرفیت قرار گیرد این است که نباید مقابله با مصرف گرایی را با رهبانیت و مقاومت اقتصادی یکی دانست؛ بلکه این مفهوم به معنای تعمیق فرهنگ استفاده منطقی از مواهب و منابع کشور در جهت توسعه پایدار همراه با تلاش مجاهدانه برای بهبود همه جانبه شاخص های زندگی برای نسل امروز و آیندگان است؛ بنابراین در ابتدایی ترین شکل ممکن می توان از ظرفیت زنان برای فرهنگ سازی در عرصه اقتصاد مقاومتی استفاده کرد؛



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

بنابراین با توجه به ظرفیت‌های زنان برای تحقق اقتصاد مقاومتی، در جهت هدایت و حمایت زنان در این عرصه می‌بایست تلاش‌های لازم صورت پذیرد هم چنین در تحقق اقتصاد مقاومتی نباید به زن به عنوان ابزار نگریسته شود بلکه مبنا بر این نیست که در تحقق این مطالبه مانند غرب برای تحقق پیشرفت مادی به زن به عنوان یک نیروی کار ارزان نگاه شود؛ اقتصاد مقاومتی در حقیقت یک اقتصاد الگوی مردم محور است و یک نظام اقتصادی هماهنگ با سیاست‌های کلان سیاسی و امنیت نظام اسلامی برای مقاومت در برابر تخریب‌های نظام سلطه بر علیه ما است؛ به عبارت بسیار ساده‌تر اقتصاد مقاومتی برنامه‌ای برای مقابله با تحریم‌ها و توطئه‌هایی است که غرب و شرق برای تخریب نظام اسلامی ما چیده‌اند و مقصود از این نوع اقتصاد یک اقتصاد پویا و پایدار است؛ بر همین اساس تک تک اعضا جامعه بدون در نظر داشتن قیود جنسیتی در تحقق اقتصاد مقاومتی باید سهیم باشند؛ زنان نیز در این مسیر در دو میدان خانه و جامعه می‌توانند کارآمد واقع شوند، یعنی از طریق ظرفیت‌های وجودی شان چندین جبهه را مدیریت کنند از یک سو در خانه با در نظر گرفتن مدیریت مصارف خانگی، فرهنگ سازی خرید و مصرف و اموری از این دست می‌توانند حتی بیشتر از مردان مثرتر واقع شوند در اجتماع نیز باید گفت بخش عمده‌ای از تولید ملی و بالابردن راندمان تولیدی کشور برعهده مردان است و حمایت از تولید ملی در جامعه بر عهده زنان است؛ درحقیقت در اقتصاد مقاومتی مانند دیدگاه‌های اقتصاد، غرب، زن به‌عنوان ابزاری برای افزایش تولید به حساب نمی‌آید؛ بلکه وجود او به شکلی غیرمستقیم در معادلات افزایش تولید نقش‌آفرین خواهد بود به عبارت دیگر امروزه کسب و کارهای خانگی یکی از مسائلی است که سبب گرایش زنان به ویژه سرپرستان خانوار به سمت اقتصاد کشانده است که در چرخه ی اقتصاد مقاومتی موثر واقع می‌شوند: که به صورت تفصیل در زیر تشریح شده است :

کسب و کارها یا مشاغل خانگی عموماً به شغل‌هایی گفته می‌شود که می‌توانند در محیط‌های خانگی یا شبه خانگی منجر به تولید محصولات گوناگون بشوند؛ این مشاغل از آن جهت که موجب حضور زن در کنار خانواده و به‌ویژه فرزندان می‌شود خود در حکم موهبتی برای خود و خانواده به‌عنوان اولین و کوچک‌ترین نهاد مدنی می‌شود، این نوع خاص از کسب و کار که عموماً توسط زنان سرپرست خانوار با عنوان کارآفرینی شناخته می‌شوند، باعث تولید سرمایه خواهند شد شاید به جرات بتوان گفت یکی از این مشاغل که ریشه تاریخی و فرهنگی غنی در کشور ما دارا است قالی بافی است.

گرایش به چنین حرفه‌هایی علاوه بر آنکه درآمدزا به حساب می‌آید موجب حفظ فرهنگ و هنر ایرانی خواهد شد؛ به هر ترتیب کسب و کارها و مشاغل خانگی که با واژه کارآفرینی ارتباطی تنگاتنگ دارد در حقیقت نمایان‌گر این واقعیت است که زن ایرانی می‌تواند به خودی خود مولد سرمایه برای خانه و سپس جامعه باشد البته نباید فراموش کرد که نهادهای حمایتی دولتی و مانند آن نیز می‌بایست زنان کارآفرین را در میدان اقتصاد تنها نگذارند تا از این طریق مفهوم مردمی‌بودن و تعامل افراد جامعه در اقتصاد مقاومتی به بهترین شکل محقق شود در آخر ضمن اشاره به تقویت نقش زنان در تحقق اقتصاد مقاومتی به عنوان رکن مهم جمعیتی که چالش‌ها و تهدیدهای موجود را به انگاره‌ها مناسب فرصت تبدیل کند در ادامه بیان خواهیم نمود : بدون تردید زنان می‌توانند در عرصه اقتصادی فعالیت‌های کیفی‌تر و مطلوب‌تر از آنی را که اکنون در حال روی دادن است، داشته باشند البته این امر مشروط به آن است که موانع موجود از طریق همدلی و هم‌زبانی دولت و نهادهای مذکور رفع شود از جمله این چالش‌های موجود در سر راه تحقق این مهم در ابتدا باید به در نظر گرفتن شرایط زنان در محیط‌های شغلی



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

توجه کرد؛ به عبارت بهتر با در نظر گرفتن موضوعاتی نظیر فرزندآوری و نگهداری از کودک شرایط شغلی را برای آن‌ها تسهیل نمود که البته افزایش مرخصی زایمان از جمله این موارد بود که در ادارات دولتی تا حدودی مورد توجه و عنایت قرار گرفت؛ علاوه بر این توجه به قشر زنان ضعیف از سوی دولت در جهت هدایت آن‌ها برای کارآفرینی خود می‌تواند بسیاری از مشکلاتی فردی و اجتماعی این قشر را ساماندهی کند در کنار شرایط لازم تحصیلی و تجربه‌آموزی نیز می‌بایست به شکلی زیرساختی مهیا شود تا زنانی که وارد چرخه تولید می‌شوند گرفتار معضل تلخ بهره‌کشی نشوند و علاوه بر آن به نوعی در قبال انجام فعالیت اقتصادی نوعی مصونیت شغلی و امنیت تجاری را احساس کنند و با انگیزه هرچه تمام به‌ویژه در حوزه کسب و کارهای خانگی و کوچک به فعالیت بپردازند تا اقتصاد مقاومتی فراتر از یک شعار محقق شود.

۶- نتیجه گیری و ارائه راهکارها و راهبردها

از مجموع آنچه مورد بحث واقع شد به این نتیجه می‌رسیم، که با وجود آنکه می‌دانیم تنها راه‌هایی از مخصصه‌ی تحریم در حال حاضر، اقتصاد مقاومتی است و مفسد اقتصادی، اداری، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، علمی، هنری و معرفتی مانند اختاپوسی از هر طرف اقتصاد مقاومتی را تهدید می‌کنند. در جهت تسهیل توسعه اقتصادی شهرها با حضور و تقویت نقش موثر زنان می‌توان در مقابل سیاست‌های نادرست دشمنان و جوانب دیگر جهت بهبود معیشت در سطوح خانوارهای مختلف برای بهگشت زندگی مسیری روشن را گشود. جهت تسهیل توسعه اقتصادی اهداف، راهکارها و راهبردهایی ارائه می‌شود:

❖ اهداف

۱. تقویت، ترویج، توسعه و نهادینه سازی مفهوم عدالت جنسیتی در برنامه ریزی های مرتبط با زنان در حوزه تعاون، کار و رفاه اجتماعی با تاکید بر برنامه های توسعه
۲. توسعه، تقویت و مشارکت موثر تعاونی ها و تشکل های مردم نهاد ویژه زنان در فرآیند توسعه انسانی پایدار و شبکه سازی فعالیت ها و ارتقای دانش، مهارت و توانمندی های فردی، اجتماعی، خانوادگی و حرفه آنان با تاکید بر مناطق محروم
۳. همکاری در جهت استقرار نظام جامع اقتصادی در راستای رفاه و تامین اجتماعی در حوزه زنان



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر



❖ راهکارها و راهبردها

- ۱- تزریق سود و بهره های بانکی در اشتغال زنان مناطق محروم و دور افتاده
- ۲- مشارکت همه جانبه اجتماعات محلی و حداکثری در کاهش ناهنجاری اجتماعی با رویکرد اقتصاد مقاومتی و عمل باوری و تربیت قشر زنان
- ۳- سرمایه گذاری در بنگاه های خرد و کوچک با محوریت نقش تقویت زنان
- ۴- بهبود نواحی (BID) جهت رونق بخش خصوصی شاغل زنان
- ۵- آموزش و ارتقای نقش زنان به مثابه ایجاد تسهیل در توسعه اقتصادی
- ۶- توسعه و مکانیزه کردن نقش زنان در بهگشت رشد و توسعه اقتصادی اجتماعات محلی با تدبیر سیاست های مقاومتی (نگارنده ، ۱۳۹۵).

۷-منابع

- ۱-عابدین درکوش ، سعید ، (۱۳۹۴) ، در آمدی بر اقتصاد شهری ، انتشارات مرکز نشر دانشگاهی وزارت علوم و تحقیقات و فناوری ، تهران .
- ۲- شریف زادگان ، محمد حسین ، (۱۳۹۰) ، راهبردهای توسعه اقتصادی و عدالت ، فصلنامه ی علمی پژوهشی رفاه اجتماعی ، سال ششم ، شماره ۲۴ .
- ۳- آجیلی ، هادی ، (۱۳۹۲) ، اقتصاد مقاومتی در نظام اقتصاد سیاسی جهانی ، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی ، سال نهم ، شماره بیست و چهارم ، پاییز .
- ۴- پژوهنده ، محمد حسین ، (۱۳۹۴) ، موانع تحقق اقتصاد مقاومتی ، پژوهش های اجتماعی اسلامی ، سال بیست و یکم ، شماره سوم (پیاپی ۱۰۶) ، پاییز .
- ۵- بیگ محمدی، ۱۳۸۹، بررسی جوامع اقتصادی با تکیه بر توانایی زنان در جامعه، اولین همایش اقتصادی مقاومتی در ایران.

5-Feldman, Maryann , Hadjimichael , (2010) , Theodora, Economic development : A Definition and Model for investment , University of north Carolina.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر



6-Todaro , Michael , Smith , Stephen,(2010),economic development , new York university .